

نگاهی رده شناختی به پسوندهای تصغیرساز در زبان فارسی و گویش سیستانی

شهلا شریفی

دانشیار گروه زبان شناسی دانشگاه

فردوسی مشهد

shahlasharifi@hotmail.com

ریحانه نورایی نیا

دانشجوی دکتری زبان شناسی واحدین الملل

دانشگاه فردوسی مشهد

re_no916@stu-mail.um.ac.ir

چکیده

نوشته حاضر سعی دارد تا با شناسایی پسوندهایی که در زبان فارسی معنای تصغیر می دهند، با نگاهی رده شناختی مشخص کند که این پسوندها در صورت اضافه شدن به چه اسامی ای معنای تصغیر می دهند و همچنین کاربرد این پسوندها را در گویش سیستانی مورد بررسی قرار می دهد و تفاوت ها و شباهت های کاربردی موجود در زبان فارسی رسمی و گویش سیستانی را شناسایی می کند. ابتدا مقدمه ای از آنچه در تحلیل های رده شناسی با اهمیت می باشد، ذکر می گردد و سپس به تعریف اسامی مصغر می پردازیم و انواع پسوندهایی که معنای تصغیر می دهند، معرفی و دسته بندی می شوند و در قسمت تجزیه و تحلیل داده ها با نگاهی رده شناختی نوع اسامی ای که هر کدام از این پسوندها بدان ها افزوده می گردد و معنای تصغیر می دهد، مشخص می شود و این بررسی در گویش سیستانی نیز انجام می گردد. نتیجه ای که از این بررسی حاصل می شود عبارت است از اینکه پسوند « ک » در زبان فارسی تنها هنگامی معنای تصغیر می دهد یا به عبارتی تصغیرساز است که به اسامی ای اضافه گردد که در طبقه بالای جاننداری (جانداران انسان) قرار دارند و در موارد دیگر که به اسامی ای که در طبقات پایین سلسله مرتبه جاننداری قرار دارند (جانداران غیرانسان و بی جان ها) اضافه گردند به معنای شباهت و داشتن رنگ می باشند و بررسی ها نشان می دهند که گویش سیستانی شیوه ای کاملاً متفاوت از زبان فارسی در زمینه اسامی تصغیر دارد.

کلید واژه ها: رده شناسی، پسوند تصغیر ساز، اسم مصغر، سلسله مرتبه جاننداری

۱. مقدمه

هدف مطالعات رده‌شناسی، رده‌بندی زبان‌ها براساس متغیرهای زبانی خاص است. مطالعات رده‌شناسی این امکان را فراهم می‌آورد تا بتوان برای هر تغییری یک سری صورت‌ها از پرکاربردترین تا کم‌کاربردترین آنها را دسته‌بندی کرد و این دسته‌بندی‌ها نه تنها باعث نظم بیشتر می‌شوند بلکه کمک می‌کنند تا در تحلیل‌های زبانی با یک بررسی سریع بتوان دریافت که در آن زبان صورت غالب و پرکاربرد آن متغیر چیست و از این لحاظ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با زبان‌های دیگر دارد. بدین ترتیب رده‌شناسان علاوه بر اینکه به کشف و توصیف صورت‌های مختلف زبانی برای هر تغییری می‌پردازند بلکه تبیین و توضیحی در رابطه با آنها نیز ارائه می‌کنند. در مطالعات رده‌شناسی برای دسته‌بندی بهتر زبان‌ها یک تعریف بیرونی از یک متغیر خاص ارائه می‌شود. منظور از تعریف بیرونی، یک تعریف معنایی-کاربردی است (شریفی، ۱۳۸۸: ۳). نوشته حاضر نیز سعی دارد تا معنایی از پسوند تصغیرساز بدست دهد و مشخص کند که چه پسوندهایی در زبان فارسی معنای تصغیر می‌دهند و دسته‌بندی از آنها ارائه می‌دهد و مشخص می‌کند که آیا این پسوندها به هنگام افزوده شدن به تمامی اسامی معنای تصغیر می‌دهند یا خیر و اگر اینگونه نیست در صورت اضافه شدن به چه نوع اسامی‌ای معنای تصغیر می‌دهند (هدف شناسایی و پیدا کردن رده‌زبانی مناسب آن اسامی با نگاهی به شیوه‌های مختلف تصغیرسازی در زبان‌های دنیا است) و در صورت اضافه شدن به دیگر اعضای آن سلسله مرتبه تعیین شده، چه معنایی از آنها بدست می‌دهد. در نهایت چگونگی عملکرد و کاربرد این پسوندها در گویش سیستمی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد و تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربردی آنها مشخص می‌شود.

۲. مبانی نظری

در این قسمت ضمن مرور تعاریفی که از پسوند تصغیر و اسم‌های مصغر در زبان فارسی ارائه شده است، به دسته‌بندی این پسوندها در زبان فارسی می‌پردازیم و با شیوه‌های متفاوت تصغیرسازی در زبان فارسی

آشنا می شویم تا بتوانیم پس از معرفی شیوه های تصغیر سازی در دیگر زبان های دنیا، تفاوت ها و شباهت های صورتی^۱ و نقشی^۲ این زبان ها در زمینه تصغیر سازی را مشخص کنیم.

در زبان فارسی، اگر اسم علامت تصغیر داشته باشد، آن را مصغر می نامند (خیامپور، ۱۳۴۷:۳۴). مصغر اسمی است که مفهوم خردی و کوچکی را برساند (انوری و گیوی، ۱۳۷۵:۱۰۳). اسم مصغر یا به کوچکی از نظر اندازه دلالت می کند یا به کوچکی از نظر معنوی (محتشمی، ۱۳۷۰:۴۵). صفت نیز گاهی مصغر می شود، مانند: بدک، بیشترک، کمکی و پیشترک و تصغیر سه علامت دارد: « ک »: (دخترک)، « چه »: (باغچه)، « و »: (خواجو) (خیامپور، همانجا). « ک » تصغیر گاهی بی ارزش بودن را می رساند مانند: (مردک) و گاهی تحبیب و دلسوزی مانند: (طفلک) (شریعت، ۱۳۷۵:۲۲۷) و گاهی نیز شباهت یا داشتن رنگی را مانند: (موشک، نارنجک، خروسک، زردک، سرخک). در بعضی لهجه ها در مقام تعریف و تصغیر، به اسم های بیان حرکت می افزایند مانند: (پسره، دختره) (انوری و گیوی، ۱۳۷۵:۱۰۴). اگر کلمه ای به « ا » یا « و » ختم شده باشد قبل از « ک »، « ی » می افزایند: (پایک، مویک). اگر کلمه ای به های بیان حرکت ختم شده باشد، « ه » به « گ » بدل می شود مانند: (جوجه: جوجگک). گاهی « چه » به « زه / ژه » تبدیل می شود مانند: (نی + چه: نیزه) (موی + چه: مژه) (شریعت، همانجا). پسوند « -ویه » (- uye) را از علامت های تصغیر دانسته اند: (شیرویه، بابویه) (محتشمی، ۱۳۷۰:۲۰۵) و گاه در تصغیر با « چه »، برخلاف قیاس، یک « ی » نیز می آید: (دریچه) (همان: ۴۵). گاه در یک قید « ی » نکره و « ک » تصغیر با هم جمع می شوند: (کمکی، لختکی، نرمکی) (فرشیدورد، ۱۳۴۸:۱۰۷) و در نهایت پسوند کم کاربردتر پسوند «-اوله» (-اولو، -لو) که از زبان ترکی وارد زبان فارسی شده و برای بیان معنی تصغیر به کار میرود: (زنگوله، مشکوله، کوچولو، قوزولو) (غلامی، ۱۳۸۷:۱۰۳).

بدین ترتیب در زبان فارسی پنج پسوند پرکاربرد و یک پسوند کم کاربردتر برای ساختن اسم مصغر به کار می روند که به لحاظ نقشی برای بیان تصغیر اعم از خوار و خفیف خواندن فردی، کوچک بودن اندازه، جوان بودن و بی تجربه بودن یا به عبارتی بچه یک حیوان بودن (مردک، دریچه، شاگردک، خرسک)، تحبیب

^۱ . formal

^۲ . functional

(طفلك)، شباهت یا داشتن رنگی (نارنجك، سرخك) مورد استفاده قرار می‌گیرند. شكل دیگری از تصغیر که نویسندگان این مقاله می‌توانند به شیوه‌های تصغیر سازی زبان فارسی براساس الگو هایی که از زبان‌های دیگر گرفته شده است، اضافه کنند به کاربردن صفت‌هایی که معنای تصغیر و تحیب می‌دهند به همراه اسم (کیف کوچک، بچه توپولی) و دیگر موردی که می‌توان اشاره کرد عبارت است از مواردی که بزرگسالان در صحبت با کودکانشان استفاده می‌کنند و یا کلماتی که در داستان‌های کودکانه استفاده می‌شود (نی نی ناز) و گاهی هم هر دو این موارد با هم بکار می‌روند که ان را می‌توان تصغیر دوبل^۱ نامید که در زبان‌های بلغاری، روسی و لهستانی نیز دیده می‌شود: (خرسی کوچولو) که هم سی پسوند تصغیر ساز و کوچولو صفت نشان دهنده تصغیر با هم بکار رفته اند. با نگاهی عمیق تر به اسامی مصغر می‌توان دریافت که تنها یک راه کار صوری نمی‌تواند در بررسی این اسامی به کار گرفته شود چرا که در بافت‌های مختلف و در مواجهه با موقعیت‌های متفاوت این اسامی و یا بهتر است بگوییم پسوندها معنای متفاوتی می‌دهند. به دیگر سخن از واژه *جوانک* همیشه نمی‌توان یک معنا را استنباط کرد و در بافت‌های متفاوت می‌تواند بیان‌کننده معانی متفاوتی باشد. بنابراین نیاز به یک بررسی معنایی و نقشی مناسب در ارتباط با پسوندهای تصغیر داریم تا از ابهاماتی^۲ که بوجود می‌آید، جلوگیری شود. بدین ترتیب (شاگردک) می‌تواند به معنای: شاگرد کم سن و سال و جوان، بی تجربه، قد کوتاه باشد و یا برای بیان توهین و خوار کردن فرد استفاده شود. به طور کل از این مجال می‌توان چنین نتیجه گرفت که بررسی کاربردشناختی پسوندهای تصغیر برای زدودن ابهاماتی که در رابطه با آنها در بافت‌های متفاوت بوجود می‌آید، مرتبط با مطالعات بین‌زبانی و رده‌شناختی^۳ است. به همین منظور در ادامه به بررسی روش‌های متفاوتی که با مطالعه پیگه‌های^۴ زبانی شیوه‌های متفاوتی که در زبان‌های دنیا برای تصغیرسازی استفاده می‌شود را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا دریابیم کدام راه کارها در زبان فارسی بکار گرفته می‌شوند و در نهایت گویش سیستمی

^۱ . double diminutive

^۲ . ambiguities

^۳ . cross-lingual & typological studies

^۴ . corpus

از کدام راه کارها استفاده می‌کند و تفاوت و شباهت‌های موجود مورد مطالعه و بررسی قرار خواهند گرفت.

۳. بحث و بررسی

با نگاهی به شیوه‌های تصغیر سازی در زبان‌های دیگر متوجه می‌شویم که تعداد پسوندها و به طور کل راه کارهای زبان فارسی در ساختن اسم مصغر بسیار از تنوع کمتری نسبت به زبان‌های دیگر برخوردار است و "شاید به همین دلیل است که زبان‌شناسان، شیوه‌های بیان معانی تصغیر در زبان فارسی را به شکل گذرا و سطحی مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند (غلامی ۱۳۸۷: ۱۰۲)" و مشکل دیگر در این بررسی‌ها داشتن نگاهی صوری به اسم‌های مصغر است که از عهده تفسیر تمامی شکل‌های تصغیر سازی برنمی‌آید. با بررسی نقشی اسم‌های مصغر می‌توان به این ابهامات پاسخ داد و دسته‌بندی بهتری از شیوه‌های مصغرسازی بدست داد. در مطالعات رده‌شناختی، راه‌کاری که بیشترین کاربرد در رابطه با یک مقوله را دارد، به عنوان سرنمون^۱ و یا نمونه اعلا در نظر گرفته می‌شود. با بررسی زبان‌های مختلف دنیا، مشخص گردیده است که سرنمون شیوه‌های تصغیر سازی به کاربردن اسم + پسوند تصغیرساز است که تعداد و انواع این پسوندها در زبان‌های مختلف بسیار متفاوت و متنوع است. در برخی زبان‌ها از جمله هلندی^۲ و زبان‌های آفریقای جنوبی^۳ پسوندها با ملاحظات واج‌شناختی به اسامی اضافه می‌شوند و در زبان‌هایی همچون ایتالیایی و فرانسوی جنس دستوری اسامی تعیین‌کننده نوع پسوندی است که برای مصغر سازی بکار می‌شود و در برخی زبان‌ها همچون روسی و زبان‌های لاتین، پسوندهای تصغیر به جز اسم به صفت و دیگر اجزاء کلام نیز افزوده می‌شود. پر واضح است که این شیوه به حوزه مطالعات ساخت واژی اختصاص دارد و بدین ترتیب در زبان‌هایی که واژه‌هایشان حاصل فرآیندهای ساخت واژی هستند، می‌توان از این روش برای ساختن اسامی مصغر استفاده کرد که از جمله این زبان‌ها می‌توان به زبان‌های ایتالیایی، اسپانیایی و پرتغالی و دیگر زبان‌های هند و اروپایی همچون زبان‌های اسلاوی، هاندی و آلمانی اشاره

^۱ . prototype

^۲ . Dutch

^۳ . Afrikaans

کرد. به لحاظ نقشی در تمامی این زبان‌ها، پسوندهای تصغیر معنای تصغیر، تحیب، خوار و خفیف بودن، کوچک بودن اندازه، جوان بودن، بی تجربه بودن و بچه حیوان بودن را می‌دهند. اشتکوئر^۱ و همکاران (۲۰۱۲:۲۳۷) با بررسی نمونه‌هایی از ۵۵ زبان دنیا براساس روش وابسته به اسم^۲ چهار فرایند را به عنوان فرایندهای ساخت واژی ساختن اسم مصغر مشخص کردند که عبارتند از: پسوند افزایی^۳، پیشوند افزایی^۴، مضاعف سازی^۵ (تکرار) و ترکیب^۶. البته نیازی به گفتن نیست که این راه کار ساخت واژی در تمامی زبان‌های دنیا برای ساختن اسم مصغر استفاده نمی‌شود (گرندی، ۲۰۱۱:۷) و از جمله این زبان‌ها می‌توان به زبان انگلیسی اشاره کرد که از ملاحظات معنایی در ساختن اسامی مصغر استفاده می‌کند. اشنایدر^۷ (۲۰۰۳) که علاقه زیادی به بررسی اسم‌های مصغر در زبان انگلیسی دارد، اذعان می‌کند که در زبانی همچون زبان انگلیسی تنها نگاه ساخت واژی به اسامی مصغر نمی‌تواند کافی باشد و ملاحظات معنایی در این زبان راه گشاست و بدین ترتیب به چهار روش صرفاً ساخت واژی که اشتکوئر و همکاران (۲۰۱۲) معرفی کردند، مواردی همچون کوتاه سازی^۸، تصریف^۹ و ساختارهای حشوی^{۱۰} را افزود. او در ادامه اذعان می‌دارد که دو مورد اول در حوزه ساخت واژی قرار می‌گیرند هر چند که در رابطه با مورد اول همیشه اختلاف نظر وجود دارد و عده‌ای معتقدند که کوتاه سازی یک فرایند دستوری اضافه است و در حوزه ساخت واژی جای نمی‌گیرد و اما عده‌ای آن را فرایند ساخت واژی ثانویه و غیر قابل پیش بینی نامیده‌اند و متعلق به حوزه ساخت واژه می‌دانند. مورد سوم به نظر اشنایدر کاملاً خارج از حوزه ساخت واژی است و به حوزه نحوی مرتبط است و اسامی که براساس این شیوه مصغر می‌شوند را "مصغره‌های نحوی"^{۱۱} یا "مصغره‌های

^۱. Štekauer

^۲. onomasiological approach

^۳. suffixation

^۴. prefixation

^۵. reduplication

^۶. compounding

^۷. Schneider

^۸. truncation

^۹. inflection

^{۱۰}. periphrastic constructions

^{۱۱}. syntactic diminutives

تحلیلی^۱ می‌نامند که نقطه مقابل "مصغره‌های ساخت واژی"^۲ یا "مصغره‌های ترکیبی"^۳ هستند (اشنایدر، ۲۰۰۳: ۷). قاعده ساختن اسامی مصغر براساس این شیوه بدین ترتیب است که دو سازه که یکی واژه اصلی است و یکی واژه مصغر ساز^۴ است در کنار هم قرار می‌گیرند که این واژه مصغر ساز می‌تواند صفت باشد: گربه کوچک که در اینجا صفت کوچک واژه مصغرساز است. در نهایت اشنایدر (همان: ۱۰) فرایندهای ساختن اسم مصغر در زبان‌های دنیا را به صورت سلسله مرتب‌های، اینچنین نشان می‌دهد:

۱. ساخته‌های ترکیبی < ساخته‌های تحلیلی

۲. ساخت واژی < تصریف

۳. فرایندهای افزایشی^۵ < فرایندهای کاهش^۶

۴. ترکیب تکواژ < تکرار تکواژ

۵. وند افزایشی < ترکیب

۶. پسوند افزایشی < پیشوند افزایشی

و توضیح اینکه فرایندهایی که در سمت راست قرار دارند در زبان‌های دنیا پربسامدتر از فرایندهایی هستند که در سمت چپ قرار دارند. پر واضح است که هر کدام از زبان‌های دنیا بسته به اینکه در رده کدام نوع از زبان‌ها قرار می‌گیرند، یک یا چندین از روش‌های یاد شده را به کار می‌بندند و این امکان وجود دارد که در زبانی به عنوان نمونه فرایند پیشوند افزایشی پربسامدتر از پسوند افزایشی باشد. این دسته بندی مطلق

^۱ . analytic diminutives
^۲ . morphological diminutives
^۳ . synthetic diminutives
^۴ . diminutive marker
^۵ . Additive processes
^۶ . subtractive processes

نیست و می‌توان مواردی را در زبان‌هایی یافت که در این دسته بندی ذکر نشده باشد چنانچه بک من و جرارتز (۱۰۴۵:۲۰۰۰) در بررسی خود نمونه‌های فراوانی از میانوند افزایی^۱ را یافته بودند و اشتکوئر و همکاران (۲۶۹:۲۰۲۱) در بررسی ۵۵ زبان که شامل ۲۸ خانواده زبانی می‌شد دریافتند که به ترتیب فرایندهای یسوند افزایی و به دنبال آن تکرار و ترکیب و پیشوند افزایی پربسامدترین تا کم‌بسامدترین فرایندهای ساختن اسم مصغر هستند. و دیگر اینکه در زبان انگلیسی فرایندهای ترکیبی / ساخت واژه ساخت اسم مصغر عبارتند از: پیشوند افزایی (mini-cruise)، پسوند افزایی (leaflet)، تکرار (-goody goody) و یا تکرار آهنگین (Annie-Pennie)، ترکیب (baby tree) و کوتاه سازی (Mike<Michael) و فرایندهای تحلیلی / نحوی عبارت است از استفاده از صفاتی که معنای تصغیر می‌دهند به همراه اسم برای نشان دادن کوچک بودن اندازه (little bag) و یک روش دیگر به کار بردن واژه‌هایی است که خود معنای کوچک بودن می‌دهند و اشاره به بچه حیوان یا هر چیز دیگری دارند (foal - و sheep - lamb) (باگاشوا، ۲۰۱۰).

حال که این توضیحات در رابطه با فرایندهای متفاوت ساختن اسم مصغر در زبان‌های دنیا را دادیم، بهتر است فرایندهای موجود در زبان فارسی و گویش سیستانی را مورد بررسی قرار دهیم. از بررسی داده‌های موجود در زبان فارسی اینچنین برمی‌آید که پسوند «ک» هم به معنای تصغیر است، مانند: (مردک و زنک) و هم به معنای شباهت یا داشتن رنگی است، مانند: (نارنجک، سرخک) و یا برای تحبیب به کار می‌رود، مانند: (طفلک). با بررسی دقیق‌تر نمونه‌های زبان فارسی از نقطه نظر معنایی، می‌توان اینچنین استنباط کرد که پسوند «ک» تنها در مواردی که به اسامی ای اضافه شود که در طبقات بالای سلسله مرتبه جاندارانی قرار دارند (جانداران انسان)، معنای تصغیر و تحبیب می‌دهد: (مردک، زنک، حسنک، طفلک) و در دیگر موارد که به اعضای طبقات پایین سلسله مرتبه جاندارانی (جانداران غیرانسان و بی‌جان‌ها) افزوده گردد، معنای شباهت یا داشتن رنگی از آن استنباط می‌گردد: (نارنجک، کلاهک، موشک، خرک، سرخک، برفک، زردک، پشمک). در زبان فارسی هرگاه که پسوند «ک» به اسامی خاص اضافه شود، به منظور

^۱ . infixation
^۲ . Bagasheva

تصغیر است اما در گویش سیستانی کاربرد پسوند «ک» متفاوت از زبان فارسی است. در این گویش پدر و مادر خانواده یکدیگر را با نام فرزند بزرگ خانواده (بدون توجه به اینکه فرزند بزرگ دختر یا پسر باشد) می‌نامند و مورد ندا قرار می‌دهند و برای نشان دادن محبت بیشتر و همچنین عدم ایجاد سوء درک برای فرزند بزرگشان (مبنی بر اینکه آیا والدین یکدیگر را فرامی‌خوانند یا فرزند بزرگشان را)، آنها پسوند «ک» را به اسم مورد نظر اضافه می‌کنند: (فاطمکا، علیکا، زهراکا) و فرزند بزرگشان را بدون اضافه کردن این پسوند می‌نامند و فرامی‌خوانند. پس در گویش سیستانی برخلاف زبان فارسی اضافه کردن پسوند «ک» به اسامی خاص نه تنها به معنای تصغیر و کوچک شمردن فرد نیست بلکه نشانه محبت بین والدین است چرا که اگر والدین از یکدیگر دلخور باشند یکدیگر را به شیوه‌ای کاملاً متفاوت می‌نامند: (پسر حاج علی، دختر کربلایی اکبر). از طرف دیگر در گویش سیستانی پسوند «ک» به هیچ اسم دیگری برای نشان دادن تصغیر اضافه نمی‌شود و در این گویش برای نشان دادن تصغیر به صورت واژگانی عمل می‌شود؛ بدین معنا که مثلاً از واژه (گل) برای بیان کوچکی یک مکان/زمین استفاده می‌شود (گل جا: زمین کوچک) که البته علت بکار بردن گل هم به معنای کوچک بودن آن زمین است و هم به معنای خوب بودن آن زمین است و به علت همین خوب بودن است که از واژه گل استفاده می‌کنند و یا واژه (ناز بالشت) برای بالشت کوچک بکار می‌رود و علت اینکه از واژه ناز برای نشان دادن کوچکی بالشت استفاده می‌شود اینست که این نوع بالشت‌ها مخصوص نوزادان و کودکان است و به علت عزیز بودن نوزاد است که به بالشتی که برای او استفاده می‌شود و کوچک هم است از این واژه استفاده می‌شود. نمونه‌هایی دیگر از این قبیل عبارتند از:

جوی کوچک: /palæŋg/ ، جوی: /novær/

خانه کوچک: /□□□□/ ، خانه: /□□□□/

خرمن کوچک: /prunæk/ ، خرمن: /□□□□□□/

صندوقچه: /□□□□□□□□/ ، صندوق: /□□□□□□□□/

طبقات پایین سلسله مرتبه جاننداری یعنی جانداران غیرانسان و بی جان‌ها اضافه گردد، معنای شباهت یا داشتن رنگی (نارنجک، سرخک) را می‌دهد و بالاخره در گویش سیستانی هم این پسوند تنها به اسامی خاص اضافه می‌گردد و معنای تحیب می‌دهد. در این گویش همچون زبان انگلیسی و هلندی برای بیان معنای تصغیر از واژه‌هایی استفاده می‌شود که در خود معنای تصغیر دارند. از جمله نتایج دیگری که می‌توان از این بحث گرفت اینست که در زبان فارسی پسوند تصغیر ساز «ک» به اسامی و صفات افزوده می‌شود اما در گویش سیستانی این پسوند تنها به اسامی خاص اضافه می‌شود.

منابع

- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن. (۱۳۷۵). *دستور زبان فارسی ۲*. تهران: انتشارات فاطمی.
- خیامپور، عبدالرسول. (۱۳۴۷). *دستور زبان فارسی*. تبریز: انتشارات ستوده.
- شریعت، محمد جواد. (۱۳۷۵). *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات اساطیر.
- شریفی، شهلا. (۱۳۸۸). «بررسی ساخت ملکی در زبان فارسی امروز از دیدگاه رده شناسی». *مجله پژوهش‌های زبان شناسی*، س ۱، ش ۱: ۶۱-۴۷.
- غلامی، حسین. (۱۳۸۷). «بررسی ویژگی‌های ساختاری و معنایی کلمات مصغر در زبان‌های روسی و فارسی». *پژوهش‌های زبان‌های خارجی*. ش ۵۰: ۱۱۲-۱۰۱.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۴۸). *دستور امروز: شامل پژوهش‌های تازه‌ای در صرف و نحو فارسی معاصر با اشاراتی به فارسی قدیم و زبان محاوره‌ای*. تهران: نشر سخن.
- محتشمی، بهمن. (۱۳۷۰). *دستور کامل زبان فارسی*. تهران: انتشارات اشراقی.

Bagasheva, M. (۲۰۱۰). *Expressing Diminutiveness in English: an overview on fairytales*. Bulgaria: BETA-LATEFL publication.

Bakema, Peter, Geraerts, Dirk. (۲۰۰۰). *Diminution and Augmentation*. In BOOIJ, G.E., LEHMANN, C., MUGDAN, J. (eds.). *Morphology: an*

international handbook on inflection and word-formation. Vol. ۱. Berlin :
Walter de Gruyter: ۱۰۴۵-۱۰۵۲.

Grandi, Nicola. (۲۰۱۱). Renewal and Innovation in the Emergence of Indo-European Evaluative Morphology. In KÖRTVÉLYESSY, L., STEKAUER, P. (eds.): “Diminutives and Augmentatives in the Languages of the World.” *Lexis: e-journal in English lexicology*, vol. ۶:۵-۲۵. Available at: http://lexis.univ-lyon۳.fr/IMG/pdf/Lexis_۶.pdf

Schneider, Klaus P. (۲۰۰۳). *Diminutives in English*. Niemeyer Tübingen.

Štekauer, Pavol, VALERA, Salvador, KÖRTVÉLYESSY, Livia. (۲۰۱۲). *Word-formation in the world's languages: a typological survey*. Cambridge : Cambridge University Press.